

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۱۱، شماره پیاپی ۲۱
بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۵۰-۲۲۹

انسان‌شناسی اعیان‌سازی در محله فیض‌آباد کرمانشاه

^۱ سیاوش قلی‌پور
^۲ روناک رستمپور
^۳ عفت ابراهیمی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۸

چکیده

این مقاله به بررسی فرایند اعیان‌سازی محله تاریخی فیض‌آباد در کلان‌شهر کرمانشاه می‌پردازد. رویکرد نظری مبتنی بر نظریه‌های اعیانی‌سازی و روش پژوهش قوم‌نگاری است. فنون گردآوری داده مشاهده و مصاحبه است. با سی نفر از ساکنان پیشین و کنونی محله به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند مصاحبه صورت گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد فیض‌آباد محله‌ای تاریخی با قدمت ۲۵۰ ساله است که در دهه گذشته از طریق مداخلاتی مانند جاده‌سازی، مجتمع‌سازی و پیاده‌راه در معرض تغییرات جدیدی قرار گرفته است که عبارت‌اند از: ۱. رونق محله و تسریع روند اعیان‌سازی به‌دلیل احداث پیاده‌راه مدرس در سال ۱۴۰۱ خورشیدی، ۲. تغییر اقتصادی در بازار مسکن و مستغلات، ۳. جابه‌جایی بخشی از جمعیت محلی مانند گروه‌های فرودست و سالمندان توسط کارمندان دولت، ۴. تغییرات شکل و اندازه خانواده در بخش‌های زیادی از محله، ۵. افزایش تعداد زنان شاغل، ۶. رواج الگوی زندگی فردی، ۷. همبستگی اجتماعی شدید که سبب جایگزینی دوباره بومیان در مجتمع‌های مسکونی تازه‌ساز شده است. این همبستگی آگاهانه و سازمان‌یافته نیست و تاب مقاومت در برابر موج‌های پسین اعیان‌سازی را نخواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: اعیانی‌سازی، پیاده‌راه، جابه‌جایی جمعیت، کرمانشاه، محله.

-
۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).
gholipoor.sia@gmail.com
 ۲. دانشجوی دکتری انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
ronakrostampour@yahoo.com.sg
 ۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه.
efat.ebrahimi86@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

مداخله در حیات شهری امری اجتناب‌ناپذیر است. رشد جمعیت و جابه‌جایی آن، تغییرات کالبدی، پویایی درونی زندگی روزمره، طول عمر بناها، تغییرات مداوم کاربری و توسعه فضاهای عمومی، شهروندان و مدیریت شهری را به سوی مداخله سوق می‌دهند. عمده مداخلات قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی توسعه‌ای و از بالا توسط طراحان و شهرسازان با همکاری دولت‌ها انجام شده است. نادیده گرفتن شرایط زیست اجتماعی و حیات شهری ویژگی بسیاری از روندها و رویکردها بود که در اندیشه لوکوربوزیه^۱ متبلور شد. عمده‌ترین دلیل شکست آن‌ها نگاه از بالا و انتزاعی طراحان بود که شهر را به ابژه فرومی‌کاستند و نتیجه آن «انزوا، بیگانگی و زوال همبستگی اجتماعی بود» (نک: برمن^۲، ۱۳۷۷). گاهی این مداخلات بسیار بی‌رحمانه و بدون توجه به زمینه اجتماعی آن‌ها انجام شد و عواقب اجتماعی زیان‌باری را بر جای گذاشت؛ به‌نحوی که مصلحان اجتماعی و اندیشمندان زیادی علیه این نوع مداخلات مواضع تندی درپیش گرفتند (برمن، ۱۳۷۷؛ جیکوبز^۳، ۱۳۸۸؛ دوسرتو^۴، ۱۳۸۲). بحث بر سر این است که اندیشه توسعه همیشه دارای زبان‌ها و ضایعاتی است که در بطن آن جای دارد. شهرهای متناسب با اتومبیل، فقیر (به لحاظ زیست‌پذیری) به همراه سکونتگاه‌های غیررسمی نتیجه اندیشه توسعه و مدرنیزاسیون از بالا در اقصی نقاط کره زمین بوده است (نک: لوید^۵، ۱۳۹۲؛ دوسرتو، ۱۳۹۰؛ بیات، ۱۳۷۷؛ موکرچی، ۱۳۸۸). درواقع رویکردهای توسعه از بالا که در قالب طراحی شهری مدرن ظهور یافتند در نابودی تاریخ، حافظه و معانی شهری نقش اساسی داشتند و به‌جای آن کالبدی بی‌روح و بی‌نشان به نام شهر مدرن را بر جای گذاشتند.

افزون بر این، سرمایه‌داری نیز فضا را به کالایی کمیاب و «شهرها را به مکانی برای جولان سرمایه تبدیل کرد» (هاروی^۶، ۱۳۸۷). به‌نحوی که منازعه بر سر تصاحب آن به دغدغه بشر امروز تبدیل شده است. در چنین فضای تنازع‌آمیزی، اعیان‌سازی جای سیاست‌بازسازی هویتی را گرفت؛ یعنی فضاهای عمومی به نفع فضاهای خصوصی تقلیل پیدا کردند و فضاهای مصرف‌مانند مراکز خرید، مگامال و نظایر آن به‌جای فضاهای فرهنگی و تفریحی بر شهرها مسلط شدند.

کلان‌شهر کرمانشاه از اوایل قرن حاضر مداخلات توسعه‌ای مختلفی بنا بر اقتضات تاریخی و شرایط اقتصادی و سیاسی را تجربه کرده است: خیابان‌کشی‌های مبتنی بر اندیشه

-
1. LeCorbusier
 2. Berman
 3. Jacobs
 4. De Certeau
 5. Liloyd
 6. Harvey

هاوسمان در درون بافت قدیمی، شهرک‌سازی‌های دهه ۵۰ و ۶۰ به همراه رشد حاشیه‌نشینی در همان زمان، مونوریل، بزرگراه و تقاطع ناهم‌سطح (نک: قلی‌پور ۱۳۹۳، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷) و رشد قارچ‌گونه فضا‌های مصرف (مهر، ۱۳۹۶). در این فرایند برخی بافت‌های قدیمی همچنان از دسترس مداخلات توسعه‌ای و سرمایه‌ای در امان مانده‌اند. تباهی کالبدی و تجمع فرودستان و در مواردی بزهکاران این محله‌ها را به مسئله مدیریت شهری تبدیل کرده است و فشار افکار عمومی مدیریت شهر را به مداخله در آن‌ها ناگزیر خواهد کرد. یکی از این محله‌ها «فیض‌آباد» است که به دلیل استقرار در مرکز شهر و نزدیکی به خیابان‌های پررونق شهر از اهمیت بیشتری برخوردار است. این محله مکان‌های تاریخی مهمی را در دل خود پروراند است و پتانسیل درخور توجهی برای هویت‌بخشی به شهر و تاریخ کرمانشاهان دارد. علاوه بر این، بافت اجتماعی همگونی دارد که ناشی از خاستگاه واحد، زبان، قومیت و مذهب مشترک ساکنان است. آنان در بیشتر موارد قشر متوسط به پایین یا فرودست هستند و توانایی مالی اندکی دارند؛ بنابراین توانایی مقاومت در برابر سرمایه‌ای شدن محله را ندارند. چنانچه روند اعیانی‌سازی به‌عنوان فرایندی سرمایه‌محور محله را دربرگیرد، جابه‌جایی جمعیت و ترک پیوندهای اجتماعی در محله امری محتمل است. در دهه اخیر روند مداخله به اشکال متعدد و پراکنده آغاز شده است و آینده محله آستان تغییرات زیادی خواهد بود. جهت تغییرات این محله بر سرنوشت ساکنان و شهر تأثیر دارد. آیا شهر وضعیت انسانی‌تری پیدا می‌کند و حقوق شهروندان لحاظ خواهد شد یا اینکه روندهای سرمایه‌پیوندهای اجتماعی و فراگیری در شهر را به نفع گروه‌های برخوردار مصادره خواهد کرد. این مقاله ضمن مروری مختصر بر تاریخ محله به سؤال‌های زیر پاسخ داده است:

۱. آیا محله فیض‌آباد در معرض فرایند اعیانی‌سازی قرار دارد؟
۲. واکنش ساکنان به مداخلات صورت‌گرفته در محله چگونه بوده است؟

چارچوب نظری

فرایند اعیان‌سازی^۱ از دهه ۶۰ میلادی در بسیاری از شهرهای اروپایی و آمریکایی آغاز شد؛ در نتیجه مراکز قدیمی شهرها که طی سال‌های طولانی فرسوده و متروک شده بودند، حیات دوباره یافتند و به محدوده‌ای پویا و ارزشمند تبدیل شدند. این فرایند از یک سو سبب رونق بافت‌های قدیمی شهرها و از سوی سبب جابه‌جایی جمعیت شد. روث گلاس^۲ (۱۹۶۳) از واژه «اعیان‌سازی» برای توصیف فرایندی استفاده کرد که طی آن خانواده‌های طبقه متوسط به‌جای

1. Gentrification
2. Glass

سکونت در حومه‌ها در محله‌های قدیمی محروم مرکز شهر لندن ساکن شدند. در این تعریف «نویسنده هم تغییر ترکیب اجتماعی ساکنان برخی محلات مرکزی را از طریق جایگزین شدن اقشار متوسط حقوق‌بگیر با اقشار فقیر بیان می‌کند و هم فرایندی با ماهیت متمایز را؛ یعنی بهسازی مجموعه‌ای از مسکن‌ها و محله‌های کارگری و فرودستان شهری» (بیدو زاکاریاسن^۱، ۱۳۹۸: ۱۶). تعریف دیگر مهم اعیان‌سازی، تعریف مارکوس است: «ساکنان جدید که به‌طور نامتناسبی جوان، سفید، متخصص، فنی، کارگران مدیریتی با تحصیلات و درآمد بیشترترند، جایگزین ساکنان پیشین می‌شوند که به‌طور نامتناسبی کم‌درآمد، متعلق به طبقه کارگر و ضعیف، گروه‌های اقلیتی، قومی و مسن، از خانه‌های قدیمی و روبه‌زوال بخش درونی شهر هستند. این تغییر و جابه‌جایی، تا حدی با سطح کلی تغییرات در جامعه، تفاوت اساسی دارد» (مارکوس^۲، ۱۹۸۵ به نقل از بونسه، ۲۰۱۸: ۴).

افزایش جمعیت تأثیر زیادی بر اعیان‌سازی دارد؛ زیرا به تغییر شکل خانواده‌ها، افزایش زنان شاغل، افزایش تعداد خانواده‌های با دو نفر حقوق‌بگیر، رواج الگوهای زندگی فردی، تغییر سبک زندگی افراد و موقعیت طبقاتی آن‌ها منجر می‌شود. اعیان‌سازی علاوه بر تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سبب تغییر در بافت شهری و کالبد فضایی مناطق مسکونی می‌شود و این امر در افزایش نرخ اجاره‌بها و مسکن نقش دارد؛ در نتیجه این فرایند ساکنان نخستین این محله‌ها که در بیشتر موارد از لحاظ اقتصادی در زمره طبقات پایین هستند، توان همراهی با این جریان را ندارند و از این‌رو مجبور به ترک این محله‌ها و ساکن شدن در حاشیه شهرها می‌شوند.

اجلاس ۱۹۹۲ سازمان ملل، توسعه پایدار را با سه رکن رشد زیست‌محیطی، رشد اقتصادی و پایداری اجتماعی، سیاستی جهانی معرفی کرد که به گسترش فرایند اعیان‌سازی در کشورهای مختلف جهان دامن زد. فرایندی که رکن سوم پایداری اجتماعی را قربانی دو رکن اول می‌کند. طرفداران اعیان‌سازی با تکیه بر دو رکن اول این سیاست جهانی را در پیش می‌گیرند. (نک: گولد و لوییس، ۲۰۱۷).

پس از این اجلاس اعیان‌سازی به‌مثابه یک استراتژی شهری در گستره جهانی از جانب شهرسازان و سیاست‌گذاران شهری استفاده شد. به‌کارگیری این استراتژی در قرن بیستم تحت تأثیر سیاست‌های مدرنیستی و نئولیبرالی بوده است. جهانی‌شدن اعیان‌سازی، مانند جهانی‌شدن خود شهرها، نشان‌دهنده پیروزی برخی منافع اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی طبقات بالا در مقایسه با سایر گروه‌هاست. شعار، «بازگشت جمعیت به مرکز» و لزوم «تعادل

1. Bidou-Zachariasen
2. Marcus

جامعه‌شناختی» سیاست رسمی اعیان‌سازی است و تحت پوشش واژه‌هایی چون باززنده‌سازی، بهسازی و نوسازی و به‌تازگی بازآفرینی شهری، بار منفی قطب‌بندی اجتماعی و طرد اقشار فقیر را کم می‌کند (بیدو زاکاریاسین، ۱۳۹۸: ۱۹). این واژه‌ها متعلق به گفتمان‌های مدرنیسم و نئولیبرالیسم هستند که حذف یا به‌حاشیه‌راندن برخی اقشار جامعه را انکار می‌کنند. با توجه به تعاریف فوق، می‌توان اعیان‌سازی را در چهار فرایند بخش‌بندی کرد: «۱. اسکان مجدد و تمرکز اجتماعی، جایگزینی یک گروه از ساکنان با گروه دیگری که دارای پایگاه اجتماعی بالاترند. ۲. دگرگونی در محیط فیزیکی ساخته‌شده (ساختمان‌ها) که نشان‌دهنده بعضی ابعاد زیباشناختی و ظهور خدمات جدید محلی است. ۳. اجتماع اشخاص با سبک زندگی مشترک یا دست‌کم مطلوبیت‌های مشترک مصرفی، مرتبط با طبقه اجتماعی، ۴. مطرح‌شدن دوباره ارزش‌های اقتصادی ملکی، که فرصتی تجاری برای صنعت ساختمان به شمار می‌رود و غالباً دنباله نظام مالکیت خصوصی اموال خانگی تلقی می‌شود» (ساوج و وارد، ۱۳۹۸: ۱۱۳). بسیاری از صاحب‌منصبان شهری امروز فرایندهای اعیان‌سازی را وسیله‌ای برای رونق‌بخشیدن به زیرساخت شهرهای و افزایش درآمد از محل مالیات‌های محلی می‌بینند. اعیان‌سازی براساس یک وفاق گسترده، در درجه اول پدیده‌ای طبقاتی است. بهبود ترکیب طبقاتی یک منطقه برجسته‌ترین بعد این فرایند است.

این استراتژی در بسیاری از شهرهای جهان روشی زودبازده برای مداخله در بافت‌های فرسوده و مسئله‌دار توسط متصدیان و مسئولان است. این افراد اعیان‌سازی را تغییری کارآمد در حل مسائل شهری می‌دانند که به کاهش جرم و جنایت، افزایش سرمایه‌گذاری در ساخت‌وسازهای جدید و زیرساخت‌های شهری، ارتقای فعالیت‌های اقتصادی در محله‌ها و تغییرات مثبت کالبدی-فضایی شهر منجر می‌شوند (نک: خانمرادی و همکاران، ۱۳۹۸)؛ درحالی‌که این روش نه‌تنها مسائل شهری مذکور را حل نمی‌کند، بلکه این مسائل را با گستردگی و پیچیدگی بیشتر از محله‌ای به محله دیگر انتقال می‌دهد که این امر یکی از عوامل گسترش حاشیه‌نشینی در شهرهاست. نخبگان جوامع سرمایه‌داری بر مزایای اعیان‌سازی در شهرها تأکید دارند، اما سؤال این است که این مزایا برای چه کسانی است و چه افرادی با معایب و مشکلات آن مواجه می‌شوند. این سیاست ساختار کنونی را بازتولید می‌کند و اجتماعات مردمی و کنشگران جنبش‌های اجتماعی را بیش از پیش نادیده می‌گیرد. اجتماعات مردمی توان مقاومت طولانی‌مدت و مطالبه حق خود از شهر را ندارند؛ زیرا سازمان‌نیافتگی، تنگدستی و بی‌قدرتی آنان را برای مقابله با سیاست‌های کلان ناتوان می‌کند.

بونسه این پدیده را در شهرهایی مانند تورنتو، لندن و پاریس، همراه با پیامدهای آن بررسی کرد و نتیجه گرفت که برنامه‌ها و سیاست‌های پایدار یک روی سکه و اعیان‌سازی روی دیگر آن

است. هدف وی حفظ ظرفیت پیشرفت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی پایدار و تقویت کنش‌های اجتماعی برای از بین بردن فرایند حذف و جابه‌جایی گروه‌های کم‌درآمد، ترویج و تشویق عدالت و برابری زیست‌محیطی و اجتماعی در سیاست‌های شهری است. از نظر او دو راه‌حل تقسیم زمین، حق مالکیت و استفاده جمعی از آن می‌تواند عاملیت و کنشگری را به افراد و ساکنان شهرها بازگرداند (بونسه، ۲۰۱۸).

روش پژوهش

روش پژوهش «مردم‌نگاری»^۱ و جامعه هدف محله فیض‌آباد در مرکز شهر کرمانشاه است. محله از سه بخشی شرقی (جلیلی)، مرکزی و غربی (کوهساری) تشکیل شده است. فنون گردآوری داده مشاهده، مصاحبه و نقشه هستند.

مشاهده: مشاهده «مستلزم توجه منظم (سیستماتیک) و ثبت رویدادها، رفتارها و موضوعاتی است که در محیط اجتماعی و مکان یک محل مورد تحقیق وجود دارد» (مارشال^۲ و راسمن^۳، ۱۳۸۱: ۱۱۰). با توجه به داده‌های جدول ۱، مشاهدات به مدت سه ماه در روزها و ساعات مختلف انجام گرفت. تمرکز عمده پژوهشگران بر مشاهده کالبد و تعاملات اجتماعی بود.

جدول ۱. ویژگی ابعاد مشاهده و زمان صرف‌شده

مدت	ویژگی	حوزه مشاهده
هر ماه ۱۰ روز در چهار نوبت صبح، ظهر، عصر و شب	موقعیت (مکانی)، عناصری مانند خیابان، ساختمان، کوچه‌ها، مغازه‌های تجاری و...	کالبد
هر ماه ۱۰ روز در چهار نوبت صبح، ظهر، عصر و شب	گروه‌های خویشاوندی، گروه‌های همسایگی، اقشار مختلف اجتماعی (فرادست/ فرودست، تفکیک سنی، گروه دوستان، گروه خانوادگی)	تعاملات اجتماعی

مصاحبه: جمع‌آوری بخشی از اطلاعات مورد نیاز از طریق گفت‌وگو با ساکنان (مالکان قدیم و جدید) و بنگاه‌های معاملات ملکی صورت گرفته است. تعداد مصاحبه‌ها ۳۰ مورد بود که به شیوه نمونه‌گیری نظری انجام شد. مصاحبه‌ها پس از ۲۵ مورد به اشباع نظری رسید.

1. Ethnography
2. Marshal
3. Rossman

جدول ۲. ویژگی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنس	سن	شغل	سال‌های سکونت در محل
۱	محمدامین	۳۴	کابینت‌ساز	از بدو تولد
۲	احمد	۳۸	بیکار	۱۵ سال
۳	غفار	۷۲	کارمند بازنشسته	۱۲ سال
۴	جعفر	۶۰	فروشنده کاشی و سرامیک	۲۵ سال
۵	صادق	۴۸	کارمند	۲ سال
۶	علی	۳۵	فروشنده در سوپرمارکت	۵ سال
۷	ولی	۶۴	جمع‌آوری ضایعات	۱۰ سال
۸	مصطفی	۷۴	خیاط	۵۰ سال
۹	مریم	۳۳	مهندس شهرسازی	۱۵ سال
۱۰	لیلا	۲۸	خانه‌دار	از بدو تولد
۱۱	شراره	۱۸	دانشجو	از بدو تولد
۱۲	حسین	۴۰	مهمان‌پذیر	از بدو تولد
۱۳	اصغر	۶۳	معلم بازنشسته	۸ سال
۱۴	مهدی	۴۳	مشاور املاک	۳۵ سال
۱۵	رعنا	۷۶	خانه‌دار	۶۵
۱۶	نشمین	۲۷	طراح	۱۲ سال
۱۷	ستار	۳۸	تأسیساتی	۱۴ سال
۱۸	ناصر	۴۶	نقاش اتومبیل	۳ سال
۱۹	سردار	۳۹	معلم	۵ سال
۲۰	علی	۶۸	مغازه‌دار	بدو تولد
۲۱	فاطمه	۳۶	خانه‌دار	۲۵ سال
۲۲	هیرو	۲۴	بیکار	از بدو تولد
۲۳	زهرا	۳۳	خانه‌دار	۸ سال
۲۴	مراد	۴۶	چلوکبابی اسلامی	از بدو تولد
۲۵	داریوش	۵۴	مشاور املاک	از بدو تولد
۲۶	نجم‌الدین	۵۸	کارمند وزارت بهداشت	۱۰ سال
۲۷	اژین	۲۸	بیکار	از بدو تولد
۲۸	فریبا	۴۲	خانه‌دار	۲۵ سال
۲۹	چنور	۷۸	خانه‌دار	۵۸ سال
۳۰	علی	۵۴	کارمند	۵۷ سال

شیوه تحلیل داده‌ها: در مردم‌نگاری شیوه تحلیل داده‌ها شکل یا مرحله واحدی ندارد و فرایندی است که از بیان مسئله تا گزارش‌نویسی اتفاق می‌افتد (فترمن، ۲۰۱۰؛ همرسلی و اتکینسون، ۲۰۰۷؛ مارچسیون^۱، ۱۳۹۲؛ بریکس، ۲۰۰۶). تحلیل این پژوهش به پیروی از مراحل سه‌گانه (تحلیل، تفسیر و گزارش‌نویسی) برپور (۲۰۰۵: ۱۰۹) انجام شده است:

اول: مرحله تحلیل که شش بخش دارد: ۱. مدیریت داده‌ها: حجم عظیمی از داده‌ها گردآوری شد که به بخش‌های بسیار جزئی تقسیم شدند. ۲. کدگذاری: برای هرکدام از این اطلاعات جزئی کدهایی تعیین شد تا بتوان آن‌ها را سازمان‌دهی کرد. ۳. تحلیل محتوایی: تقسیم‌بندی جزئی‌تر در کدها انجام گرفت و به اطلاعات جزئی تبدیل شدند. ۴. توصیف کیفی: کدهای به‌دست‌آمده به تفصیل توصیف شدند و تمام ویژگی‌های آن‌ها لحاظ شد. ۵. استخراج الگوها: کدهای توصیف‌شده در ارتباط با یکدیگر و همچنین در ارتباط با موقعیت، فضا و تعاملات قرار گرفتند و الگوهای لازم به‌دست آمد. ۶. طبقه‌بندی: داده‌ها به سه دسته فیض‌آباد در طول تاریخ، مداخلات از بالا، نشانه‌های اعیانی‌سازی و واکنش مردم به این مداخلات تقسیم شدند.

دوم: در این مرحله که تفسیر داده‌ها نام دارد، تمام یافته‌ها در ارتباط با هم قرار گرفتند تا فرایند اعیانی‌سازی محله فیض‌آباد توضیح داده شود.

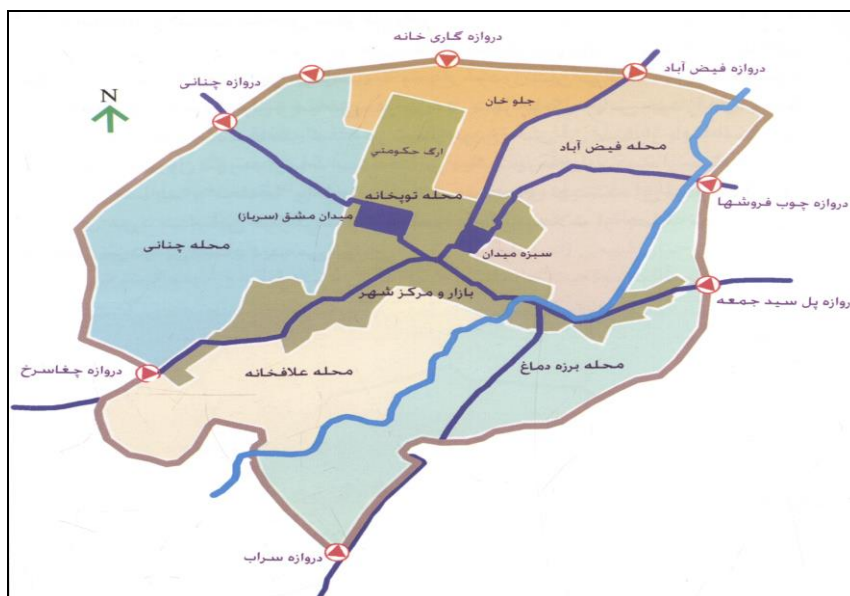
سوم: مرحله گزارش‌نویسی براساس طبقه‌بندی داده‌ها تدوین شد.

محله فیض‌آباد در بستر تاریخ معاصر

محله فیض‌آباد هم‌زمان با شکل‌گیری شهر کرمانشاه از زمان زندیه، به یکی از محله‌های شهر کرمانشاه تبدیل شد. با تخریب قلعه کرمانشاه در دوره زندیه و شهر کرمانشاه در مجاورت آن (نک: سلطانی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۲۵۹-۲۶۰؛ شعبانی، ۱۳۷۵: ۱۰۱؛ فلور، ۲۰۱۸: فصل اول)، سکنه نیز به اطراف گریختند. «گروهی به سه دهکده فیض‌آباد، چنانی و برزه دماغ در مجاورت رودخانه آبشوران رفتند و در آنجا شهری را بنا نهادند که شهر جدید کرمانشاه نامیده شد و نام سه دهکده مذکور نیز بر محلات شهر همچنان باقی ماند» (نک به باکینگهام^۲، ۱۸۰۳). در دوره زندیه فیض‌آباد محله‌ای اعیان‌نشین بود و «بازار آن [بازار زندیه] محل تبادل اقتصادی شد» (سلطانی، ۱۳۸۱: ۱۰۰۴-۱۰۰۵). با رونق بازار کرمانشاه در اواسط دوره قاجار یهودیان زیادی از اطراف کشور و بغداد به کرمانشاه آمدند و در شرق محله فیض‌آباد سکونت کردند (نک: فلور، ۲۰۱۸: پیوست ۱۳). ساختار شهر به‌گونه‌ای بود که «در سمت غرب و شرق شهر، دو رشته تپه

1. Murchison
2. Buckingham

وجود داشت که دیوارهای گلی خانه‌ها و باغ‌های حومه شهر تا روی آن‌ها گسترش یافته بود؛ درحالی‌که مرکز شهر، که خانه‌هایش آجری بود، بین این دو تپه، روی شیب ملایمی به‌سوی دشت کشیده شده بود^۱ (گروته^۱، ۱۳۶۹: ۸۲). فیض‌آباد در مرکز شهر قرار داشت و به‌دلیل دوربودن از بازار (بازار جدید قاجاری)، هموار بودن و خیابان ضرابیه (تنها گذر فراخ شمالی و جنوبی شهر) توجه ثروتمندان را جلب کرد. کوچه «امیر محترم» محل سکونت اعیان شهر بود. به‌مرور برخی خانه‌های اشرافی مانند خانه حکیم نصیر، خانه خواجه باروخ، خانه جلیلیان و خانه حاج اکبری در این محله ساخته شد.



نقشه ۱. محله فیض‌آباد در شهر قدیم کرمانشاه

منبع: برومند سرخابی، ۱۳۸۷

نقشه ۱، محله‌های شهر کرمانشاه در سال ۱۲۲۹ را نشان می‌دهد. فیض‌آباد در شمال شهر قرار داشت و در طول حکومت قاجار وضعیت برجسته و اعیانی خود را در مقایسه با دیگر محلات حفظ کرد. رایینو^۲ در سال ۱۲۸۲ می‌نویسد: «بزرگان کرمانشاه در محله فیض‌آباد خانه دارند؛ چراکه این محله دارای خیابان‌های پهن و از بازار شهر فاصله دارد. بزرگان شهر این محله را از آن جهت ترجیح می‌دهند که بیشتر خیابان‌های کرمانشاه، تنگ و پرعذابند. کدخدای

1. Grothe
2. Rabino

فیض‌آباد فتحعلی‌خان و در سال ۱۲۸۷ نجف‌خان بود. تقسیمات فرعی آن عبارت بودند از: گذر سید محمدرحیم، گذر آقاوند و محله یهودی‌ها» (رابینو، ۱۳۹۳: ۴). با افول بازار کرمانشاه در دوره پهلوی اول بسیاری از بازرگانان محله را ترک کردند، اما همچنان محله‌ای اعیانی بود. در این دوره، مداخلات زیادی از طریق خیابان‌کشی صورت گرفت. محله فیض‌آباد توسط خیابان سپه به دو بخش شرقی و غربی تبدیل شد. در جنوب شهر، محله‌های جدید شطرنجی ساخته و رفت‌وآمد اتومبیل در آن ممکن شد (نک: قلی‌پور، ۱۳۹۶). برخی اعیان در این بخش از شهر جابه‌جا شدند و به‌مرور فیض‌آباد سیر نزولی را طی کرد. در دهه ۳۰ دو خیابان دیگر به موازات سپه در شرق و غرب آن از درون محله فیض‌آباد عبور کرد و به تکه‌پارگی آن افزود. رشد شهرنشینی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ سبب ظهور چهار محله ۲۲ بهمن، الهیه، آناهیتا و آبادانی و مسکن در دشت «قره‌سو» و بیرون از شهر کهن شد. محله ۲۲ بهمن به محله‌ای اعیان‌نشین تبدیل شد و بخش دیگری از جمعیت فیض‌آباد را جذب کرد و مهاجران جاف که عمدتاً «زردویی» بودند، جانشین جمعیت از دست رفته شدند. این روند اولین جابه‌جایی بزرگ جمعیتی در محله فیض‌آباد بود. پس از انقلاب، شهرنشینی در کرمانشاه رونق گرفت و جمعیت ۳۳۶،۱۳۱ نفری ۱۳۵۵ به ۸۰۰،۰۹۰ نفر در سال ۱۳۸۵ تبدیل شد. در این مدت شهرک‌ها و محله‌هایی با زیرساخت مناسب ساخته شد، اما روند توسعه و بهسازی در فیض‌آباد صورت نگرفت؛ زیرا میراث فرهنگی اجازه هرگونه مداخله در محله را ممنوع کرد؛ در نتیجه محله رو به ویرانی نهاد و قیمت مسکن به‌شدت افت کرد. جاذبه محله نیز برای ساکنان کم شد. «زردویی‌هایی» که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ در آن زندگی می‌کردند، به‌مرور محله را به نفع فرودستان شهری به‌ویژه سالمندان و مهاجران جدید زردویی با سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کمتر، ترک کردند.

فیض‌آباد در اواخر دهه ۷۰ به محله‌ای قدیمی و در حال ویرانی تبدیل شد که سه خیابان پررونق از درون آن می‌گذشت. تنها جداره‌های تجاری آن رونق داشت و بقیه محله که بافت زنبورکی و کهنی داشت به حال خود رها شد. مهاجران جدید زردویی به‌دلیل روابط خویشاوندی، تاریخ و خاطراتی که به این محله گره خورده بود، آن را انتخاب کردند. برای برخی از این افراد، مهاجرت به شهر، مترادف با سکنی‌گزیدن در این محله بود و نه چیز دیگری. با وجود تغییرات اقتصادی که در زندگی زردویی‌ها به‌وجود آمده است، برخی از آن‌ها حاضر به ترک محله نیستند. همبستگی و احساس تعلق تنها در میان افراد وجود ندارد، بلکه ارتباط شدیدی با مکان (محله فیض‌آباد) نیز دارد. رعنای ۷۶ ساله از ساکنان قدیمی محله، در حال حاضر در خانه‌ای ویلایی با حیاطی بزرگ زندگی می‌کند و در پاسخ به درخواست دخترش که از او می‌خواهد در خانه‌ای آپارتمانی با امنیت بیشتر و در نزدیکی محل زندگی او زندگی کند،

می‌گوید: «من و فیض‌آباد با هم پیر شدیم. شاهد خوشی‌ها و ناخوشی‌های هم بودیم. چطوری اینجا رو ول کنم برم؟» برخی ساکنان پیشین این محله نیز، به‌ویژه مردان میانسال که به دلایل متفاوتی از آنجا مهاجرت کردند، در هفته چند روز، به‌ویژه روزهای تعطیل در نزدیکی بازار زندیه، جایی که آن را «سرگذر» می‌نامند، جمع می‌شوند، جوایای حال و روز محله و ساکنان می‌شوند و پس از مدتی گفت‌وگو و گذراندن اوقات فراغت، هریک با توشه‌ای از آخرین اخبار محله، ساکنان و خویشاوندان، به خانه و کاشانه خود بازمی‌گردند. سرگذر حوزه عمومی کوچک و کاملاً مردانه‌ای است و مباحث مختلفی در آن مطرح می‌شود، اما یکی از کارکردهای آن بازتولید و تقویت همبستگی میان افراد است. غفار ۷۰ ساله که اکنون ساکن کارمندان است، می‌گوید:

«هفته‌ای به بار یکی دو ساعت می‌رم سرگذر. رفقای هم‌دوره خودم رو می‌بینم، خاطرات گذشته برام تداعی می‌شه، خبری از قوم و خویش می‌گیرم و تو این یکی دو ساعت کلی روحیه عوض می‌شه و برمی‌گردم خونه».

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان گفت افراد اعم از ساکنان فعلی یا حتی پیشین نیز در طول زمان، همبستگی اجتماعی خود را حفظ کرده‌اند.

مداخلات از بالا از اوایل دهه ۱۳۸۰

محله فیض‌آباد موقعیت استراتژیکی دارد؛ زیرا در مرکز شهر و در کنار خیابان‌های پررونق سپه، جلیلی، کوهساری و میدان گاراژ قرار دارد. در طول سال‌های گذشته به بهانه‌های مختلف از جمله رفع ترافیک مداخلاتی در آن رخ داده است که می‌توان به موضوعات زیر اشاره کرد:

- **مداخلات جاده‌ای:** اولین اقدام اواخر دهه ۷۰ با احداث خیابان اصلی فیض‌آباد صورت گرفت که دو خیابان جلیلی و مدرس را به یکدیگر وصل کرد. اقدام دیگر، احداث خیابان آبشوران در ضلع شرقی محله است که در سال ۱۳۹۵ انجام شد.
- **ساخت‌وساز مجتمع‌های آپارتمانی:** هشت مجتمع مسکونی به نام «ترگس» واقع در ضلع غربی میدان جلیلی ساخته شد که شامل ۸۲ واحد است (شکل ۱). مجتمع‌های دیگری به نام‌های نوبهار ۱ (شامل ۲۱ واحد)، نوبهار ۲ (شامل ۱۰ واحد)، نوبهار ۳ (شامل ۴ واحد) و گل‌ها (شامل ۳۸ واحد) روبه‌روی مسجد زردویی‌ها ساخته شدند.



شکل ۱. تخریب بافت مسکونی قدیم و ساخت‌وساز جدید در مرکز فیض‌آباد
منبع: انجمن عکاسان کرمانشاه، ۱۳۹۸

- برخی منازل و اماکنی که تا چند سال پیش در فهرست میراث فرهنگی شهر کرمانشاه ثبت شده بودند، تخریب و به زمین‌های مسطح و در انتظار ساخت‌وساز تبدیل شدند.
- **تبدیل خیابان مدرس به پیاده‌راه:** طرح این خیابان بر مبنای قانون تعریض معابر در سال ۱۳۱۲ مصوب و در سال ۱۳۱۶ به بهره‌برداری رسید. مدرس از میدان آزادی (گاراژ) آغاز و تا میدان انقلاب (شهرداری سابق) امتداد دارد. با طول نزدیک به دو کیلومتر و عرض ۲۰ متر، در جهت شمال شرقی به جنوب غربی احداث شد. مسجد جامع کرمانشاه، تکیه بیگلربیگی، بازار کرمانشاه، کلیسای قلب مقدس مسیح، مسجد عمادالدوله، تکیه معاون، زورخانه سنگ‌تراش‌ها، بانک شاهی و مسجد هاشمی کرمانشاه، از جمله اماکن و بناهای تاریخی موجود در آن هستند. در دهه ۱۳۴۰، طرح تعریض این خیابان، با عنایت به جایگاه اتومبیل از سوی شهرداری وقت ارائه شد، اما به دلیل مخالفت‌های میراث فرهنگی در راستای حفظ بافت تاریخی آن، تاکنون به‌طور کامل اجرا نشده است. در نتیجه این طرح، عرض پیاده‌راه خیابان از هر طرف ۷/۵ متر افزایش یافت و در حال حاضر، عرض آن به ۳۵ می‌رسد. تعریض خیابان به جابه‌جایی برخی کسبه و اجاره‌نشینی تعدادی دیگر منجر شد. سال ۱۳۸۶ با احداث چهار پاساژ در این خیابان اعیان‌سازی تجاری شروع شد. اکنون (زمستان ۱۴۰۰) طرح تبدیل این خیابان به پیاده‌راه نیز در دست اقدام است. این طرح با وجود افزایش ترافیک به دلیل طولانی‌شدن فرایند ساخت، دستاوردهای مثبتی مانند زیست‌پذیری، تعلق به مکان، امکان دیدار و گزینش، پویایی حیات شهری و مکان عمومی

برای سالمندان، کودکان، زنان و صدهای خاموش را به همراه خواهد داشت. مجاورت پیاده‌راه با محله فیض‌آباد سبب رونق محله خواهد شد، اما رونقی که تهدیدی برای محله خواهد بود؛ زیرا خطر گسترش اعیان‌سازی را به همراه دارد.

نشانه‌های اعیانی‌سازی در فیض‌آباد

تغییر اقتصادی در بازار مستغلات و مسکن: با توجه به گفته‌های مشاوران املاک تغییرات قیمت املاک و مستغلات در محله در دو بخش بخش‌بندی می‌شود. نخست، بخش‌هایی از محله که تحت نظارت قوانین میراث فرهنگی است و این سازمان اجازه ساخت‌وساز بیش از ۷ متر را در محدوده اماکن و بناهای تاریخی صادر نمی‌کند؛ بنابراین تغییر درخور توجهی در بازار مستغلات و مسکن صورت نگرفته است و در برخی کوچه‌های بخش شرقی (جلیلی) و مرکزی محله، خانه‌های ویلایی با ارزش هر متر ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۳ میلیون وجود دارد. قیمت محدوده تحت نظارت میراث فرهنگی به دلیل دوری و نزدیکی به خیابان قیمت متفاوت است. ۱. قیمت قسمت شرقی محله (جلیلی) بسیار کم است. ۲. بخش مرکزی بین ۴۰۰ هزار تا ۸۰۰ هزار متغیر است. ۳. در قسمت غربی (کوهساری) به دلیل موقعیت اقتصادی آن و مجاورت با بازار کاشی، سرامیک و شیرآلات قیمت تا ۱۰ میلیون تومان است. مرد میانسالی که سیزده سال است ساکن بخش شرقی (جلیلی) است، دلیل مهاجرت خود را پایین بودن قیمت مسکن در این محله می‌داند: «با اینکه وسط شهره، ولی قیمت خانه‌هاش خیلی کمه. منم پولم کم بود کجا بهتر از اینجا؟» (علی، ۳۵ ساله، ۵ سال ساکن محله). برخی ساکنان قوانین میراث فرهنگی را دلیل اصلی از رونق افتادن محله می‌دانند. تعداد زیادی از مغازه‌دارها در این محله، به‌ویژه بازارچه زندیه، نه مالک تام، بلکه دارای حق سرقفلی مغازه‌های خود هستند و همین امر تأثیر بسزایی در کساد بازارچه دارد: مصطفی، ۷۴ ساله که حدود ۵۰ سال است در این محله به کسب‌وکار می‌پردازد، می‌گوید: «این سرقفلی هم برای ما بدبختی شده، چهل ساله اینجا کار می‌کنم. مغازه نه مال منه و نه مال کس دیگه. نه می‌تونم تغییرش بدم و دستی به سر و روش بکشم، نه می‌تونم همین جوری اینجا کار کنم. می‌ترسم به روز سقفش رو سرم خراب بشه». تعدادی از ساکنان که مالک هستند، نمی‌خواهند خانه‌های خود را با قیمت ناچیز در مرکز شهر بفروشند، میراث فرهنگی نیز با قیمت مناسبی آن‌ها را نمی‌خرد؛ بنابراین نه امکان ساخت‌وساز دارند و نه با توجه به قدیمی و فرسوده شدن بافت و تردد نکردن ماشین و وسایل نقلیه امکان زندگی در آن وجود دارد:

«تمام بدبختی محله، به دلیل قوانین میراث فرهنگی در محله است. اگر این قوانین نباشه،

مالکان به محله رونق می‌دن، اما میراث فرهنگی نه خودش کاری می‌کنه و نه می‌ذاره

شهرداری یا مردم خودشان کاری بکنن» (علی ۵۸ ساله از ساکنان قدیمی).

دوم، بخش‌هایی از محله به‌ویژه بخش مرکزی (خیابانی که در ضلع غربی میدان جلیلی احداث شده است) از حیطة نظارت میراث فرهنگی خارج شده است و قیمت آن تحت تأثیر بازار و نوسانات آن قرار دارد. خیابانی که تا پیش از احداث آن، عابران برای گذر از فیض‌آباد و رسیدن به خیابان مدرس باید از کوچه‌های تنگ و پرپیچ‌وخم آن می‌گذشتند، اکنون خیابانی فراخ محسوب می‌شود که نحوه عبور و مرور را تغییر داده است. خانه‌های قدیمی و ارزشمند زیادی در این کوچه قرار دارند که اغلب خسته و متروک، زیر سایه ساختمان‌های بلند در حال ساخت جلوه‌ای ندارند و در انتظار بیل‌های مکانیکی هستند. خارج‌شدن از محدوده نظارت میراث فرهنگی و شروع ساخت و ساز در مرکز این محله در توانایی ساکنان نیست و در اختیار نهادها و ارگان‌های قدرتمند است.



شکل ۲. بافت تاریخی در حال زوال در مرکز فیض‌آباد

منبع: انجمن عکاسان کرمانشاه، ۱۳۹۸

تغییر ترکیب اجتماعی ساکنان: اولین تغییری که در ترکیب اجتماعی ساکنان در محله فیض‌آباد رخ داد، جابه‌جایی جمعیتی بود که از دهه ۶۰ آغاز و تا اوایل دهه ۷۰ ادامه داشت. از اوایل دهه ۶۰ گروه مرفه و متمول به‌دلیل قدیمی‌بودن بافت محله، زنبورکی‌بودن آن، باریک‌بودن کوچه‌ها، استفاده‌نکردن از وسایل نقلیه، نداشتن لوله‌کشی درون منازل و تخلیه‌نشدن فاضلاب به محله‌های نوساز در بخش جنوبی و غربی شهر مهاجرت کردند. گروه جدیدی که در محله ساکن شدند، اغلب از خویشاوندان گروه پیشین، اما با سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پایین‌تر بودند. اکنون بخش عمده‌ای از ساکنان این محله، بومیان یا جوانان و میانسالانی هستند که به‌دلیل روابط خویشاوندی و احساس تعلق تاریخی و قومی به

محله، آن را برای زندگی کردن انتخاب کرده‌اند. ساخت‌وسازهای جدید جمعیت جدیدی را به محله کشاند که به لحاظ فرهنگی با ساکنان پیشین تفاوت دارند؛ زیرا این مجتمع‌ها توسط ارگان‌های دولتی برای کارمندان ساخته شده‌اند.

به‌طور کلی ساکنان محلی دو گروه هستند. ۱. افراد قدیمی که در خانه‌های ویلایی یا دو طبقه ساکن هستند و مشاغل آزاد آنان از میزان امنیت شغلی اندکی برخوردار است. کار کردن در مغازه‌ها به‌ویژه سوپرمارکت‌ها و دکه‌ها، مشاغل وابسته به تولیدات روستایی از جمله خشکبار (گردو، توت، پسته کوهی، بادام و...) سقز، روغن و کره محلی از عمده فعالیت‌های اقتصادی آنان است. ۲. ساکنان جدید که از اوایل دهه ۹۰ به این محله مهاجرت کرده‌اند. آنان کارمندان دولتی با امنیت شغلی بالا و وابسته به اقتصاد رسمی شهر هستند. در میان این گروه الگوهای فردی، افزایش تعداد زنان شاغل، خانواده‌هایی با دو نفر حقوق‌بگیر دیده می‌شود. جمعیت جدید به لحاظ سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با ساکنان پیشین در مرتبه بالاتری قرار دارند. ورود این گروه جدید، تغییراتی را در پی داشته است: کاهش تعاملات چهره به چهره، افزایش غریبگی، کاهش امنیت و کاهش احساس تعلق به محله. یکی از ساکنان قدیمی می‌گوید: «غریبه‌ها این‌قدر زیاد شدن که مثل گذشته راحت نیستیم و احساس امنیت نمی‌کنیم» (مهتاب ۲۸ ساله از ساکنان قدیمی کوچه امیرمحترم). از دیگر سو، یکی از کارمندان تازه‌وارد به محله با وجود اینکه شش سال است در این محله زندگی می‌کند، می‌گوید: «اینجا همه با هم قوم و خویشان و محله مال اوناست، نه مال ما» (اصغر، میانسال و کارمند بازنشسته).

تغییرات فرهنگی ساختار خانواده: شکل خانواده از گسترده به هسته‌ای تغییر کرده است، اما این تغییرات را نمی‌توان تنها نتایج اعیانی‌سازی در نظر گرفت؛ چراکه شکل خانواده در نتیجه سبک زندگی و تغییرات فرهنگی کلان، دستخوش تغییر شده است. بازنمایی تغییرات در شکل خانواده را می‌توان به‌وضوح در شکل کالبدی محله و خانه‌ها دید. در محله خانه‌های قدیمی با معماری خاص وجود دارد که شبیه یکدیگرند و الگوهای مشخصی در آن‌ها تکرار می‌شود. برای رفتن به درون این خانه‌ها با عبور از یک دالان مسقف به حیاطی می‌رسیم که حوض یا حوضچه‌ای در مرکز آن قرار دارد و دور تا دور حیاط را اتاق‌های متعددی احاطه کرده‌اند. اتاق‌ها در دو طبقه جای دارند: اتاق‌های طبقه اول با چند پله رو به پایین، شامل مطبخ، انباری، زیرزمین و محل نگهداری آذوقه و اتاق‌هایی که با چند پله رو به بالا به آن‌ها می‌رسیم شامل اتاق نشیمن و مهمان‌خانه هستند. تعداد زیاد اتاق‌ها بیانگر حضور خانواده‌های متفاوتی در خانه بود و بیشتر فرزندان خانواده پس از ازدواج تا مدتی طولانی در همین خانه‌ها سکونت می‌کردند. علاوه بر فرزندان، اقوام و خویشاوندانی که تازه ازدواج می‌کردند نیز مدتی در این خانه‌ها زندگی می‌کردند و پس از پس‌انداز یا داشتن فرزندان به خانه‌های جدید و بزرگ و مستقل‌تری مهاجرت می‌کردند.

سکونت‌پذیری این خانه‌ها علاوه بر معماری وام‌دار سالمندان بود. اکنون این خانه جمعیت کمی دارد، سالمندان تنها هستند و فرزندان از آنجا رفته‌اند؛ به نحوی که ابعاد این خانواده‌ها از خانواده هسته‌ای کوچک‌تر است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«من کوچک‌ترین فرد خانواده هستم که هفته‌ای ۳ تا ۴ بار برای انجام کارهای والدین پیر خودم خونه‌اونا می‌روم. مادر و پدرم تو خونه خودشون خیلی راحت‌ترن. سربار عروس و داماد نیستن. کسی بهشون نمی‌گه چیکار کنن. خودشون آقای خودشونن» (لیلا، ۲۸ ساله).

معماری زیبای سنتی (با پذیرش اینکه در حال زوال است) نیز توان نگهداشت خانواده گسترده را ندارد. آپارتمان متناسب با این تغییر بزرگ است و پتانسیلی برای گرایش به سمت انبوه‌سازی است؛ فرایندی که در حال گسترش است.

افزایش تعداد زنان شاغل: در میان ساکنان جدید محله، زنان شاغل و کارمند محله در مقایسه با دو دهه گذشته جمعیت بیشتری را در برمی‌گیرند که معمولاً کارمندان دولت به‌ویژه آموزش و پرورش هستند. در میان بومیان نیز می‌توان زنانی را یافت که به فعالیت‌های اقتصادی مشغول هستند، اما این زنان مانند همسران خود وابسته به محصولات روستایی‌اند و درآمدهای آنان از طریق فروش محصولات روستایی (رب انار، کره، روغن محلی، نان محلی، کلانه) و خدماتی (فروش ترشی، بسته‌بندی اقلام مصرفی خانگی مانند سبزی‌ها و...) به‌دست می‌آید. زنان جوان در فروشگاه‌های زنجیره‌ای، سوپرمارکت‌ها یا دیگر مغازه‌های کوچک‌تر مانند آرایشگاه‌ها فعالیت می‌کنند. زنان میانسال از طریق پخت نان محلی، تهیه محصولات خانگی (آبغوره، انواع سبزی، رب گوجه و انار و...) و خیاطی به اقتصاد خانواده کمک می‌کنند. وجه اشتراک تمامی این افراد این است که مکان مجزایی به کار خود اختصاص نداده‌اند و به‌جای اجاره‌بهای سنگین اماکن تجاری، خانه را برای فعالیت‌های خود انتخاب کرده‌اند؛ در نتیجه مشتریان محدودی دارند و درآمد آن‌ها نیز کم است. فریباً ۴۲ ساله که ۲۴ سال است در این محله ساکن است، می‌گوید:

«برای فروش محصولات خانگی می‌خواستم یه مغازه اجاره کنم، اما مغازه‌های بازارچه به‌دلیل بهداشتی نبودن و کهنگی به کار نمی‌آمد و مغازه‌های تازه و تمیزتر را با رهن و اجاره بسیار زیاد باید می‌گرفتم که برای من به‌صرفه نبود.»

رواج الگوهای زندگی فردی: ساکنان بومی (زردویی‌ها) به‌ویژه میانسالان و سالمندان افراد جمع‌گرایی هستند که حفظ منافع جمعی برای آن‌ها در اولویت است و پایبند به آداب و رسوم و سنت‌ها هستند. دایره دوستی آن‌ها در قلمروی خانواده و اقوام است و بیشترین زمان را در کنار خانواده و آشنایان می‌گذرانند، اما در میان جمعیت تازه وارد شده به محله الگوهای زندگی فردی بسیار به چشم می‌خورد. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«خونواده‌ها اگر بخوان ما رو داشته باشن، باید ما رو آزاد بنارن که تنها زندگی کنیم و کار کنیم، اما این قدر زنجیر به دست و پامون بستن که فرار کردن شده آرزومون» (شراره، ۱۸ ساله).

البته رواج الگوهای زندگی فردی را نیز مانند تغییر شکل خانواده، نمی‌توان به تنهایی پیامد اعیانی‌سازی دانست؛ چراکه نشانه‌های تغییرات کلان اجتماعی و فرهنگی در آن مشهود است.

مداخله کردن یا نکردن: در محله فیض‌آباد با تاریخی ۲۵۰ ساله هیچ فرایند توسعه‌ای وجود ندارد. همچنین تباهی کالبدی در جای‌جای آن آشکار بوده و کل محله را به ورطه نابودی کشانده است. میراث فرهنگی با وجود اینکه جلوی هرگونه ساخت‌وساز در محله را به پهانه تاریخی بودن گرفته است، هیچ برنامه‌ای برای احیا و زنده‌سازی بافت آن ندارد. استراتژی‌ای که می‌توانست برای هویت‌بخشی و نگهداشت تاریخ شهر حیاتی و مؤثر باشد. مداخلات جاده‌ای شهرداری درون محله که توانست دسترسی به برخی بافت‌ها را ممکن کند، گرچه در راستای هویت‌بخشی نبود، سبب خشنودی برخی ساکنان شد. مرد جوان بیکار ساکن محله می‌گوید:

«خونه ما ته به کوچه بن بست بود که با خیابانی که احداث شد، خونه ما دقیقاً سر خیابان اصلی قرار گرفت که هم رفت‌وآمد ما راحت شد و هم امنیتمون بیشتر شد» (احمد، ۳۸ ساله و بیکار).

بسیاری از مالکان به دلیل پایین بودن قیمت خواهان مداخله و افزایش قیمت هستند تا بتوانند از قبل آن بهره‌مند شوند. برخی دیگر برای دسترسی به فضاهای عمومی و سایر خدمات تمایل زیادی به مداخله در بافت قدیمی دارند.

«ما بخوایم یه پارک بریم، باید با ماشین کلی از این محله دور شیم. تازه باید از خیابون‌های درب و داغونی هم عبور کنیم. ما به خیابان‌های صاف و فضای سبز نیاز داریم که اینا کارهاییه که شهرداری باید برامون انجام بده که نمی‌ده» (نجم‌الدین ۵۵ ساله کارمند و ساکن ۱۵ ساله).

گروه دیگری از مردم مخالف هر نوع مداخله‌ای بوده و بر این باور هستند که بافت محله و همبستگی اجتماعی آن باید حفظ شود. حلقه مفقوده این مطالبات و هراس‌ها وجود همبستگی میان ساکنان بومی است که محله و این بخش از فضای شهری را «حق» خود و «از آن خود» می‌دانند. همبستگی‌ای که در حال حاضر در محله وجود دارد، ناخودآگاه و سازمان‌نیافته است. برخی مصاحبه‌شوندگان می‌گویند:

«همسایه‌های این کوچه برای من مثل اعضای خانواده خودم هستن» (چنور، ۷۸ ساله، ۵۸ سال ساکن محله). «همه اعضای این کوچه قدیمی‌ان و چون همدیگه رو می‌شناسیم، کاملاً احساس تعلق به کوچه و محله داریم» (جعفر، ۶۰ ساله و ۲۵ سال ساکن). «ما چند سال نوبهار زندگی کردیم، اما دوباره برگشتیم اینجا. چون من و همسرم همین‌جا بزرگ شدیم و مال اینجا بومییم» (سردار ۳۹ ساله، معلم). «غریبه‌ها توی محله خیلی هنجارشکنی می‌کردن و اعضای محله و همسایه‌ها بیرونشون کردن» (مریم، مهندس شهرساز، ۳۳ ساله).

این جملات اگرچه از زبان افراد مختلف بیان شده است، از تاریخ، رابطه و هویتی مشترک سرچشمه می‌گیرد که علاوه بر «زمان»، با نقطه‌ای در یک «مکان» گره خورده است. آنچه گروه‌های سنی، مشاغل و گروه‌های درآمدی مختلف را با وجود تفاوت‌هایشان به یکدیگر پیوند می‌دهد، تاریخ، دین، تجربه زیسته و هویت مشترک ساکنان است. نقاط اشتراکی که مرز و قلمرویی را بین «خود» (ساکنان قدیمی) و «دیگری» (ساکنان جدید) ترسیم می‌کند. همبستگی ساکنان قدیمی از دید جمعیت تازه‌وارد محله نیز عیان است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«دو ساله اینجام و تنها با خانواده و همسرم زمانم رو می‌گذرانم و با همسایه‌ها در ارتباط نیستم» (صادق، ۴۸ ساله).

این همبستگی یارای مقابله با فرایند قدرتمند اعیان‌سازی را ندارد؛ زیرا ریشه اعیان‌سازی در منطق درونی نئولیبرالیسم، تسخیر فضا، کسب سود و حذف کم‌قدرت‌ها است. اعیان‌سازی پشتوانه‌ای نیرومند دارد، اما همبستگی اجتماعی که از آن سخن گفتیم، ریشه در یک ساختار سنتی (طایفه‌ای) دارد که زمانه آن به سر آمده و رو به زوال است.

واکنش ساکنان محل به مداخلات از بالا به پایین: اقداماتی^۱ که مدیریت شهری (شهرداری، میراث فرهنگی و ارگان‌های دیگر) در محله انجام دادند، یک طرف ماجراست و تأکید صرف بر آن نوعی یکسویه‌نگری و ارائه روایتی ناقص از ماجراست. وجه دیگر این داستان، زندگی روزمره و خلاقیت‌های ناشی از آن است که در اشکال مختلف کنش و مقاومت بروز می‌کند. چنانچه این واکنش‌ها سازمان‌یافته باشند، دستاوردهای مهمی را به‌دنبال دارند (برای آگاهی بیشتر، نک: Susannah, 2018): نقش‌داشتن در آینده‌ای درخشان برای محله، داشتن فضای سبز بیشتر و محیط‌زیستی پاکیزه، خانه‌های مقرون‌به‌صرفه که موجب جابه‌جایی ساکنان قدیمی نمی‌شوند، برابری در داشتن حق شهر، حق ماندن در مکان و برقراری عدالت اجتماعی در محله‌ها از جمله این موارد هستند. این اهداف از طریق آگاهی‌بخشی به ساکنان درباره برنامه‌های توسعه و مداخلات ارگان‌های مرتبط ممکن خواهد بود.

اقداماتی که در دو دهه اخیر در محله فیض‌آباد صورت گرفته و با عنوان مراحل اولیه اعیان‌سازی ارزیابی می‌شود، واکنش‌هایی را از جانب ساکنان به‌دنبال داشته است. اصرار ساکنان قدیمی بر ماندن و نفروختن خانه‌های قدیمی، بازگشت و مراجعت مکرر فرزندان به این محله، احساس تعلق و هویت محله‌ای از جمله برجسته‌ترین آن‌ها هستند؛ درحالی‌که هنوز افزایش قیمت و ورود سرمایه در بخش‌های زیادی از محله که تحت پوشش قوانین میراث فرهنگی

۱. احداث جاده، آپارتمان‌سازی، وضع قوانینی مانند حق پیشه، سرفق‌لی و ساخت‌وساز.

است، اتفاق نیفتاده است. مشخص نیست واکنش مردم در چنین شرایطی در آینده چه خواهد بود. آیا آنان سود و دستیابی به سرمایه را بر چنین کیفیت‌های اجتماعی ترجیح خواهند داد یا اینکه آگاهانه و سازمان‌یافته از ارزش‌های اجتماعی و جمعی دفاع خواهند کرد؟

نتیجه‌گیری

محله فیض‌آباد با بافت تاریخی و بناهای ارزشمند آن برای هویت‌بخشی به شهر از جایگاه ارزشمندی برخوردار است، اما چنین چشم‌اندازی در برنامه‌های مدیریت شهری نیست. همچنین بودجه ناکافی شهرداری و ناباوری به همیاری و توانمندسازی محله نزد مدیریت شهری بر تحقق نیافتن این مهم دامن می‌زند. گویا سوداگری در زمین و مستغلات توان زیادی برای متمایل کردن بخشی از ساکنان و مدیران شهری به سمت سودآوری دارد. با اینکه تعداد زیادی از ساکنان که عمدتاً زنان و سالمندان هستند، از همبستگی اجتماعی و تعلق به مکان دفاع می‌کنند، نیروی مؤثری محسوب نمی‌شوند. همچنین شرایط بیانگر شروع روند اعیانی‌سازی در محله است. تنها مانع اعیانی‌سازی کامل و فراگیر قوانین میراث فرهنگی مبنی بر اجازه نیافتن ساخت‌وساز بیش از ۷ متر است که امکان ورود بخش خصوصی و آپارتمان‌سازها و برج‌سازهای خصوصی را منتفی کرده است. دیگر نهادها مانند شهرداری و آموزش و پرورش به دنبال اعیانی‌سازی برای کارکنان خود و کسب سود هستند. مداخلات زیرساختی مدیریت شهری مانند خیابان‌کشی، تخریب بافت فرسوده، رهاکردن اماکن تاریخی و قطع ارتباط ارگانیک شبکه معابر امکان بازگشت به بافت اولیه را ناممکن کرده است؛ به نحوی که نگهداشت مابقی محله در حالت فعلی مقوله‌ای ناموزون و ناهماهنگی بوده که نیازمند مداخلات جدی است. این مداخلات در مناطق تجاری و بافت مسکونی فزونی گرفته و راه‌حل هویت‌بخشی را تا اندازه‌ای با مشکل مواجه کرده است. آپارتمان‌های بلند ناهماهنگ با بافت تاریخی و به لحاظ معنایی بی‌هویت و انتزاعی هستند. روند ساخت‌وساز از اوایل دهه ۹۰ تاکنون، دربردارنده دو جابه‌جایی جمعیتی است: جابه‌جایی اول طبقه متوسط را در مرکز محله جای داد. جابه‌جایی دوم ساکنان بومی را در مقیاس اندکی جایگزین طبقه متوسط کرد. در فرایند اعیانی‌سازی، رشد اقتصادی در مقایسه با پایداری اجتماعی اهمیت بیشتری دارد؛ پس این مهم سبب نادیده گرفتن گروه‌های آسیب‌پذیر و بدون قدرت و ثروت در فضاهای شهری می‌شود. بافت‌های دست‌نخورده محله فیض‌آباد بالقوه کالای ارزشمندی از نظر سرمایه‌داران و مدیریت شهری برای فروش است؛ زیرا در بهترین نقطه شهر قرار دارد. به نظر می‌رسد مدیریت شهری به راحتی از کنار این ثروت عظیم نخواهد گذشت و آن را بخشی از درآمد بالقوه خویش به حساب می‌آورد. با توجه به اینکه اعیانی‌سازی تمام نقاط محله را دربر نگرفته است، اولین و مهم‌ترین راه‌حل،

تقویت همبستگی شهروندان و ساکنان محله است. امکان طرح مطالبات و پیگیری آن از طریق انجمن‌های محلی سازمان‌یافته وجود دارد. با توجه به تحقیقات جهانی که در زمینه اعیان‌سازی در شهرهای مختلف جهان صورت گرفته است، تنها مانعی که می‌تواند سرعت اعیان‌سازی را کم یا آن را متوقف کند، مقاومت شهروندان و مطرح‌شدن «حق شهروندی» در فضای شهری است. در بخش مرکزی فیض‌آباد بازارچه زندیه واقع شده است که قدمت آن بیش از راسته بازار، بازار اسلامی (یهودی) و دیگر بازارهای کرمانشاه بوده و متأسفانه در آستانه ویرانی است. با توجه به فعالیت‌های اقتصادی برخی زنان این محله، که پیش‌تر به آن اشاره شد، می‌توان از مغازه‌های این بازارچه برای فروش محصولات آنان (از قبیل خشکبار و محصولات وابسته به تولیدات روستایی و نان و غذاهای محلی) استفاده کرد که در این صورت نه تنها یک مرکز تاریخی به حال ویران خود رها نشده است، بلکه بنا بر نیاز ساکنان آن رونق خواهد گرفت. خانه‌های تاریخی و مسکونی متعددی در این محله وجود دارد. عمده‌ترین ویژگی‌های این خانه وجود اتاق‌های متعدد دور تا دور حیاط آن است. می‌توان با مرمت نواحی فرسوده، حفظ نقشه قدیمی این خانه‌ها و نزدیکی آن‌ها به بازار سنتی شهر، از این خانه‌ها برای راه‌اندازی کارگاه‌های گلیم‌بافی، قالی‌بافی و گیوه‌بافی و... استفاده کرد.

منابع

- برمن، مارشال (۱۳۷۹). *تجربه مدرنیته*. ترجمه مراد فرهادپور. تهران: طرح نو.
- بیات، آصف (۱۳۷۷). *سیاست‌های خیابانی: جنبش تهیدستان در ایران*. ترجمه سید اسداله نبوی. تهران: شیرازه.
- بیدو، زاکاریاسن، بیدو، کاترین، هیرنو، دنیل و ریوردارک، آلن (۱۳۹۸). *بازگشت به شهر: از فرایندهای اعیان‌سازی شهری تا سیاست‌های باززنده‌سازی مراکز*. ترجمه نعیمه رضایی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- جیکوبز، جین (۱۳۸۸). *مرگ و زندگی در شهرهای آمریکا*. ترجمه آرزو افلاطونی. تهران: دانشگاه تهران.
- خانمرادی، سجاد، معینی‌فر، مریم و بیگدلی‌راد، وحید (۱۳۹۷). «تحلیل نقش اعیان‌سازی بافت فرسوده شهری بر تحولات هویتی ساکنان محلات قدیمی (مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر زنجان)». *فصلنامه علمی فضای جغرافیایی*، ۱۹(۶۸)، ۱۸۳-۲۰۱.
- دوستو، میشل (۱۳۸۲). «قدم‌زدن در شهر». ترجمه شهریار وقفی‌پور. در *مطالعات فرهنگی به ویراستاری سایمون دورینگ*. تهران: تلخون.
- رابینو، یاسنت (۱۳۴۳). *گزارشی از بازرگان و جامعه شهر و ایالت کرمانشاه*. ترجمه فریبرز همزه‌ای. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- ساج، مایکل و وارد، آلن (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی شهری*. ترجمه ابوالقاسم پوررضا. تهران: سمت.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۳). *تاریخ مفصل کرمانشاهان: از دوران ماقبل تاریخ تا کودتای ۲۸ مرداد*. تهران: سها، ج ۳.
- _____ (۱۳۸۱). *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان: ایلات و طوایف کرمانشاهان*. تهران: سها.
- شعبانی، رضا (۱۳۷۵). «کرمانشاه سرزمینی کهنسال». در *مجموعه مقالات نخستین همایش شناخت پیشینه، توانمندی و قابلیت‌های فرهنگی استان کرمانشاه*. فرهنگ و ارشاد کرمانشاه.
- [قلی‌پور، سیاوش \(۱۳۹۳\). «بازگشت طردشدگان: ظهور سکونتگاه‌های غیررسمی». *مطالعات جامعه‌شناختی، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۲۱\(۱\)، ۶۳-۷۸.](#)
- _____ (۱۳۹۶). «سازمان‌دهی فضایی شهر کرمانشاه در دوره پهلوی اول». *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۱۷(۱)، ۵۱-۷۱.
- _____ (۱۳۹۷). «تکه پارگی، مونوریل و حیات شهری». *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۱۸(۱)، ۱۱۹-۱۴۱.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹). *سفرنامه گروته*. ترجمه مجید جلیلود. تهران: مرکز.
- لوید، پیتر (۱۳۹۳). *طبقه کارگر و تهیدستان شهری در جهان سوم*. ترجمه حسنعلی نودری. تهران: آشیان.

- مارچسیون، جولیان ام. (۱۳۹۲). *مردم‌نگاری: طراحی، هدایت و ارائه تحقیق*. ترجمه سیدقاسم حسنی. تهران: جامعه‌شناسان.
- مارشال، کاترین و راسمن، کرچمن (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق کیفی. ترجمه علی پارساییان و سید محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- موکرچی، شکر (۱۳۹۰). *مهاجرت و تباهی شهری*. ترجمه فرهنگ ارشاد و عبدالله سالاروند. تهران: جامعه‌شناسان.
- مهر، بهار (۱۳۹۶). *مصرف و بیگانگی (زندگی روزمره زنان در فضای مصرف شهر کرمانشاه)*. پایان‌نامه کارشناسی/ارشد. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی.
- هاروی، دیوید (۱۳۸۷). *شهری‌شدن سرمایه*. ترجمه عارف اقوامی، تهران: اختران.
- Brewer, J. (2005). *Ethnography*. Open University Press.
- Brix, J (2006). *Encyclopedia of ethnography*. Vol. 2. Sage Publication.
- Fetterman, D. (2010). *Ethnography*. London: Sage.
- Hammersly, M., & Atkinsom, P. (2007). *Ethnography: principle in practice*. London: Tavistok.
- Floor, W. (2018). *Kermanshah: city and province 1800-1945*, Washington DC: Sage Publication.
- Bunce, S. (2018). *Sustainability policy, planning and gentrification in cities*. Routledge.
- Kenneth A. G., & Tammy, L. L. (2017). *Green gentrification: urban sustainability and the struggle for environmental justice*. London: Routledge.